

شناخت انواع کادر در هنر ایران و مقایسه آن با کادرهای آثار مدرن در غرب

الهام محمودی، دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه کمال الملک، نوشهر، مازندران

الهام محمودی

چکیده:

کادر یکی از اصلی ترین عناصر تشکیل دهنده آثار هنریست. در طول تاریخ هنرمندان همواره فضای ترسیمی خود را با کادر تنظیم کرده اند. تحلیل حاضر سعی دارد به چگونگی کادر در هنر ایران به ویژه نگارگری دوره اسلامی بپردازد تا کادرهای متعارف و نامتعارف و ارتباط تغییرات کادر با مضمون آثار مورد بررسی قرار گیرد و سپس نمود برخی کادرهای نامتعارف در گرافیک معاصر ایران و جهان بیان گردد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و روش گردآوری مطالب کتابخانه ای از طریق فیش برداری و تصویرخوانی است. روش تجزیه تحلیل داده ها کیفی است. بر اساس نتایج تحقیق در نگارگری ایرانی کادر متعارف مستطیل افقی و عمودی با تناسبات طلایی به کار رفته است و شکست کادر مطابق با مضمون اثر به روش های گوناگون انجام شده و انواع کادرهای نامتعارف بدین شکل ظهور یافته است. در گرافیک معاصر جهان بیرون زدگی از کادر و خلق کادرهای نامتعارف ظهور یافته است، نمونه هایی از آن نیز در گرافیک معاصر ایران به کار رفته که البته جهت جذب نظر مخاطب یا بهتر دیده شدن محصول این تمهید به کار رفته است.

واژگان کلیدی

کادر، هنر ایران، هنر مدرن، آثار مدرن، غرب

مقدمه

محدوده ای را که هنرمند برای ارائه و اجرای اثر خود بر می‌گزیند کادر می‌گویند. این اثر ممکن است یک عکس، یک نقاشی، یک نقش برجسته یا حتی یک فریم در سینما باشد. کادر کلیه عناصر بصری یک اثر را در خود جمع کرده و به آن شکل می‌دهد. بنابراین معیار مهمی برای ارزیابی روابط موجود بین اجزای تشکیل دهنده یک اثر هنری و یکی از عوامل بسیار مهم در شناخت و بررسی عناصر بصری در یک ترکیب بندی به شمار می‌رود. به عنوان مثال: یک خط اگر داخل کادر معینی قرار نگرفته باشد معیاری برای تعیین چگونگی موقعیت آن در سطح کاغذ وجود ندارد ولی وقتی همان خط داخل کادر معینی قرار گیرد چشم ما قادر خواهد بود با اندازه گیری فاصله ی آن از چهار جهت کادر، موقعیت خط را نسبت به محورهای عمودی و افقی کادر معین نماید. با وجود کادر می‌توان به آسانی بهترین راه حل را در صفحه برای عناصر بصری از نظر ایجاد تعادل و توازن پیدا نمود. در این راستا هدف از تحقیق حاضر بررسی و شناخت انواع کادر در هنر ایران و غرب می‌باشد. با توجه به وجود چنین سیر تداوم در بسیاری از عناصر مفهومی و بصری در کادرها، به مطالعه کادرها در دوران مختلف و به چگونگی کادر در نگارگری و آثار مدرن و نیز آثار گرافیکی می‌پردازد و در نهایت تحلیل و نتیجه گیری نهایی یافته‌ها را بیان می‌کند.

ادبیات و پیشینه تحقیق

کادر

کادر (cadre) اصطلاحی فرانسوی است که پیرو همه واژه‌هایی که امروزه در زبان ما، به نوعی پذیرفته شده‌اند، در مباحث هنری بکار می‌رود. در فرهنگ عمید کادر به چهارچوب، چهارچوبه، قاب عکس، محوطه، زمینه و ... معنی شده است (عمید، ۱۳۶۴، ۲۳۳).

کادر(قاب) در هنرهای تجسمی از قبیل نقاشی، تصویرسازی، گرافیک، عکاسی، سینما، نقش برجسته، نقاشی دیواری و... استفاده شده و دارای اهمیت است. هر عنصر بصری برای بیان خویش و نمایش کیفیت وضعیت خود، نیازمند قرار گرفتن در کادر است. کادر می‌تواند دورخط بوده یا قطعی از صفحه باشد. اصولاً

عناصر بصری علاوه بر فضایی که توسط اندام خود اشغال می کنند، در اطراف خود دارای میدانی موثر هستند. در این میدان کیفیاتی از قبیل تعادل، تناسب، ریتم، شکل و زمینه و ... که اساس ایجاد یک ترکیب بندی (composition) مناسب هستند، ایجاد می گردد. در نتیجه حضور عناصر بصری در کادر، با توجه به میدان مشترک، به بیان موضوعی واحد منجر می گردد. کادر یا قاب تصویر، محدوده فضا یا سطحی است که اثر تجسمی در آن ساخته می شود. به طور کلی منظور از کادر در هنرهایی که با سطح سر و کار دارند و بر سطح بوجود می آیند همان محدوده ای است که هنرمند برای ارائه و اجرای اثر خود برمی گزیند. (حسینی راد، ۱۳۹۱، ۷۶-۸۱)

الیاتوف در کتاب "تاریخچه کمپوزیسیون نقاشی"، در مورد کادر می گوید: کادر شبیه یک پنجره ای است که نقاش از طریق آن، تماشاگر را به تماشای دنیای زاده تصورات خلاقانه خویش، دعوت می کند. کادر یا قاب در هنرهای بصری دارای کاربردهایی چون فضا سازی، برجسته کردن موضوع، توجه و تمرکز تماشاگران، ایجاد زیبایی، ایجاد شاخص برای درک اندازه های اشیاء داخل کادر و وحدت است. (آلیاتوف، ۱۳۷۲، ۶۷)

کادر در عرصه هنرهای تصویری، معیار مهمی برای ارزیابی روابط اجزای تشکیل دهنده هر اثر هنری است. کادر به محدوده هر اثر هنری گفته می شود که در داخل خود، کلیه عناصر بصری را جمع کرده و شکل می بخشد. (نامی، ۱۳۸۷، ۴۷-۴۹).

در واقع هنرمند از طریق کادر بر چیدمان عناصر بصری یا گزینش عالمانه آنها که برای بیان مفهومی مشترک در محدوده کادر به کادر گرفته شده تأکید می کند. این اثر ممکن است یک عکس، اعلان، نقاشی، نقش برجسته و یا حتی محدوده ای باشد که در آن یک فیلم بر پرده سینما نمایش داده می شود. کادر می تواند اندازه ها و شکل های گوناگونی داشته باشد مثل انواع چهارگوش با ابعاد و تناسبات مختلف به صورت مربع و مستطیل های متنوع عمودی و افقی، همچنین شکل های دیگر هندسی مثل دایره، بیضی، مثلث و حتی تلفیقی از این اشکال به صورت منظم و غیر منظم به عنوان کادر در نظر گرفته می شود. هنرمندان معمولاً ترکیب عناصر و نیروهای بصری کار خود را بر اساس کادر و فضای بصری که در اختیار دارند، سازماندهی میکنند. کادرها می تواند **متعارف** باشند یعنی همان کادرهایی که در هنر بیشتر دیده شده اند، مثل مربع و مستطیل و... و میتوانند **غیر متعارف** باشند یعنی کادرهایی که کمتر میبینیم که معمولاً دارای بیرون زدگی هستند که امروزه بیشتر در گرافیک و هنر مدرن دیده می شوند و در گذشته در نگارگری و هنر سنتی ایرانی رواج داشته است.

همانطور که گفته شد، عناصر بصری و روابط بین آنها در یک محدوده به نام کادر، قاب و یا فریم هویت می یابند، تعریف واقعی می شوند و شخصیت اصلی خود را بروز می دهند. نحوه حضور عناصر در کادر و روابط بین آنها و نیروهایی که بصورت جوهری و ذاتی در کادر وجود دارد کلیتی را شکل می دهد که به آن ترکیب بندی می گویند. (کازینه، ۱۳۶۰، ۵۴) یکی از کاربردهای کادر فضا سازی است؛ میان کادر و ترکیب بندی در یک اثر تجسمی رابطه ای مستقیم برقرار است. کادر نقش بسزایی در ایجاد یک ترکیب بندی مناسب با اثر دارد. در واقع بدون کادر و مرز و محدوده ی مشخص نمی توان میان اشکال ترسیم شده رابطه ای برقرار کرد و برایشان ترکیب بندی در نظر گرفت. کادر به اشکال و اشیاء موجود در یک اثر هویت بخشیده و باعث انسجام، اتحاد، کنش و واکنش میان آنها می شود. همچنین کادر باعث تمرکز بیننده بر اثر شده و با جایگذاری مناسب اشکال در یک کادر می توان بر آنها تأکید کرد و یا تأکید و توجه بیننده را از آن برداشت. بدین ترتیب کادرها دارای نقش بیانی قوی بوده و بر ترکیب بندی و معنای اشکال واقع در اثر تأثیر می گذارند. شکل کادر، نزد هنرمندان هنرهای تجسمی، اغلب مربع مستطیل و مربع است؛ اما بنا به فرم و محتوای هر اثر هنری، هنرمند می تواند شکل های دیگری را برای کادر اثر خود انتخاب کند و خود را محدود به کادرهای متعارف همیشگی نکند. همانطور که گفته شد، کادر معیاری است برای سنجش عناصر بصری. موقعیت قرار گیری یک شیء در کادر تصویر، ابزار مهمی در ارزیابی مکان فضایی محسوب می شود. (پورتر، ۱۳۷۷، ۱۰۱-۱۰۴)

پیشینه پژوهش

مواردی که به عنوان پیشینه این پژوهش میتوان مطرح کرد:

سمیه نصری در پایان نامه ای بنام بررسی نمادین ترکیب بندی مقامی در نگارگری ایران. که در مقطع کارشناسی ارشد ارتباط تصویری دانشکده هنر دانشگاه الزهراء(ع) در سال ۱۳۸۸ با راهنمایی دکتر غلامعلی حاتم ارائه شده است به بررسی و بیان جایگاه این نحوه ی ترکیب بندی در هنر ایرانی-اسلامی پرداخته است و بیان میکند چنین شیوه ترکیب بندی ای با مقام های عرفانی متناظر است. علاوه بر این به مفاهیمی چون فضا و ترسیم انسان پرداخته است. در این پایان نامه نتیجه گرفته شده است که نگارگری ایرانی با استفاده از این ترکیب بندی مولفه های موجود در اثر را ارزش گذاری میکند. اما به این پرداخته نشده است که نگارگری ایران با استفاده از این ترکیب بندی به نوعی کادرهای جدید و نامتعارف دست پیدا کرده است. - آقای محسن مرئی در مقاله ای بنام بررسی چگونگی ترکیب نوشته ی تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز آل اینجو. که در سال ۱۳۹۱ ارائه شده است. به بررسی جنبه های صوری نگارگری ایرانی و

ترکیب بندی نوشته و تصویر در صفحه و در اصطلاح امروزی صفحه بندی پرداخته است. و به رابطه ی بین نظام چینش عناصر نوشتاری و قاب تصویر و همچنین رابطه ی شکل قاب تصویر با موضوع و ترکیب بندی نگاره های مکتب شیراز در دوران ایلخانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده که در نگارگری مکتب شیراز آل اینجو رابطه بین عناصر نوشتاری و ترکیب بندی نگاره ها از اصول دقیق و معینی تبعیت می کند. که با نظام ستون بندی صفحه برای نگارش شعر هماهنگ است. همچنین نگارگر بر اساس موضوع نگاره شکل قاب تصویر را به صورت منعطف در نظر گرفته و بر اساس نظام ستون بندی صفحه شکل داده است. به همین دلیل در موارد نمونه های بسیاری شکل قاب تصویر بجای مستطیل پلکانی است. اما با این وجود در نظر گرفته نشده که این قاب ها میتوانند همان کادرهای نا متعارف در زمان خود باشند که با توجه به عناصر تصویر و نوشته و ترکیب بندی ها شکل کادرها تغییر کرده و به صورت نا متعارف دیده میشود.

روش تحقیق

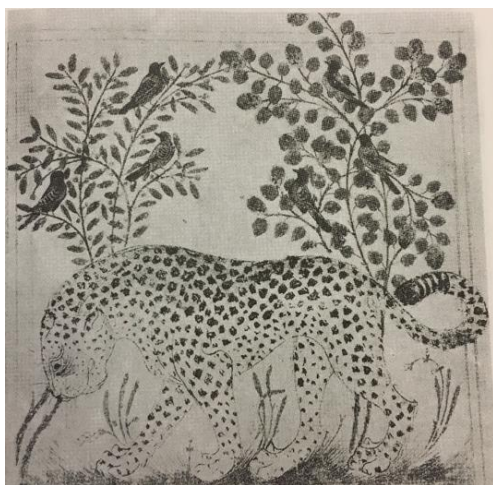
در این رساله روش تحقیق توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری مطالب کتابخانه ای از طریق فیش برداری و تصویرخوانی است. روش تجزیه تحلیل داده ها کیفی است.

یافته های تحقیق

نگاهی به نگارگری ایرانی از منظر کادر نا متعارف

نمونه هایی از کادر نامتعارف در آثار هنری ایران دیده می شود. نگارگری ایران انواعی از کاربرد این نوع کادر را نشان می دهد. کتاب منافع الحيوان در مراغه و به سال ۶۹۸ ه.ق. به دستور غازان خان کتابت و مصوب شد. ۹۴ نگاره ای که از این نسخه مصور بر جای مانده در کتابخانه پیرپونت مورگان نیویورک محفوظ است. کادر های نگاره های منافع الحيوان (۶۹۸ ه.ق.)، در ابعاد بزرگ و به شکل مربع و یا مستطیل هایی با عرض کمی کمتر از

طول و نا متعارف است. در منافع الحيوان خروج عناصر از کادر دیده می شود ولی به طور جزئی و به نحوی که اغلب عناصر فرعی، گیاهان و شاخه و برگ ها از کادر بیرون می روند. در این کتاب کادر ها دچار شکستگی زیاد نمی شوند و چهارچوب خود را حفظ می کنند و تنها عناصری فرعی و جزئی که غالباً پس زمینه اند از کادر بیرون می روند. در شکل های (۱) و (۲) نمونه هایی از نگاره های منافع الحيوان مکتب تبریز ایلخانی را می توان مشاهده کرد.



شکل ۱، ابن بختیشوع، منافع الحيوان، مکتب ایلخانی، مراغه، ۱۲۹۸/۶۹۷، کتابخانه مُرگان، نیویورک، پلنگ. (اپهام پوپ، ۱۳۷۷).

شکل ۲، منافع الحيوان ابن بختیشوع، فیل و مادینه اش، مراغه، ۶۹۸ه.ق، کتابخانه پیر پونت مورگان نیویورک.

کتاب جوامع التواریخ رشیدی (۷۰۷-۷۱۴ه.ق)، تألیف خواجه رشیدالدین فضل الله (۶۴۵-۷۱۷ه.ق) است و در تبریز در ربع رشیدی کتابت شد. دو نسخه از این کتاب باقی مانده که یکی در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ (۷۰۶-۷۰۷ه.ق) و دیگری در انجمن سلطنتی آسیایی لندن (۷۱۴ه.ق) محفوظ است (گری، ۱۳۸۹، ۱۸۱). مکتب نگارگری ایلخانی شخصیت و ویژگی های خود را بیش از همه در نسخه های مصور جامع التواریخ آشکار کرده است (حسینی راد، ۱۳۸۴، ۱۸۵-۱۸۹). اکثر نگاره های کتاب جامع التواریخ رشیدی که در تبریز مصور شده اند دارای کادری مستطیل شکل، افقی و کشیده هستند. بسیاری از نگاره ها از فضای منفی اندکی سود برده اند. فضای منفی کم، کشیدگی و افقی بودن کادر و بزرگ بودن پیکره ها نسبت به محیط از ویژگی های بارز نگاره های این کتاب است (شکل ۳).



شکل ۳، حضرت محمد(ص)، ابوبکر و رمة بزها، از جامع التواریخ رشیدالدین، ۱۳۱۴-۱۳۱۵م (۷۱۳-۷۱۴ه.ق)،

کتابخانه دانشگاه ادینبرو. (گرابر، ۱۳۸۳).

نوع دیگری از کادر نگاره های این نسخه مصور با اشکالی بیش از چهار ضلع ترسیم شده است. در برخی نگاره ها نیز نوعی کادر کلی دیده می شود که در خود به وسیله ستون هایی به دو یا سه بخش تقسیم شده، و کادر کلی را به کادر های جزئی و کوچکتری تقسیم کرده است. برخی دیگر از نگاره های این کتاب مصور دارای کادرهایی نا متعارف با شکستگی و خروج عناصر می باشند. در کادر این نگاره ها می توان خطوط اصلی کادر را مشاهده کرد. همانطور که گفته شد اکثر نگاره های کتاب جامع التواریخ رشیدی دارای کادری به شکل مستطیل افقی و کشیده هستند. بسیاری از نگاره ها از فضای منفی اندکی سود برده اند. فضای منفی کم، کشیدگی و افقی بودن کادر و بزرگ بودن پیکره ها نسبت به محیط، نوعی حس تنگنا را در ذهن تداعی می کند.



شکل ۴، رشیدالدین، جامع التواریخ، مکتب ایلخانی، کتابخانه دانشگاه ادینبورگ، جلوس سلطان لهراسب در بلخ.



شکل ۵، طراحی مجدد نگاره "جلوس سلطان لهراسب در بلخ"، (شکل ۴)، از نگارنده.

در این نگاره کادر به صورت افقی کشیده می باشد و دارای بیرون زدگی هایی است و فضای منفی اندکی وجود دارد و بزرگ بودن و نزدیک بودن پیکره ها در کادر نوعی حس تنگنا را به بیننده القا می کند . در اینجا پاها و لباس پیکره ها از پایین کادر دولایه به بیرون رفته است و در بالای کادر هم تاج و کلاه پیکره ها از کادر بیرون زده است. (شکل ۴ و ۵)

اوج هنر نگارگری مکتب تبریز را شاید بتوان در شاهنامه ای جست که امروزه به شاهنامه بزرگ ایلخانی یا دموت (۵۷۳۸ق) معروف است (تجویدی، ۱۳۵۲، ۱۲۹). اشکال مختلف کادر های این کتاب به شرح ذیل است: - کادرهایی چهار ضلعی (مربع، مستطیل و مربع مستطیل) به صورت افقی و عمودی، بدون شکست و در مواردی با شکستگی و نامتعارف و خروج عناصر.

نگاره های کتب مصور شیراز در عصر تیموری دارای تنوع و گوناگونی بسیاری است . کادر مستطیل عمودی در نگاره های گلچین اسکندر سلطان نیز دیده می شود. در واقع عمود بودن کادر نگاره ها، بر قامت پیکره ها و بلندی بناهای ترسیم شده در تصویر تاکید می کند. در مواردی نیز بخشی از تصویر از کادر های عمودی و مستطیلی این نگاره ها به بیرون رفته است.

دو نسخه مصور از ظفرنامه شناخته شده است که هر دو نسخه در کتابخانه کاخ موزه گلستان نگهداری می شود. کادر نگاره های ظفرنامه مصور شیراز و تبریز با وجوهی بیش از چهار ضلع ترسیم شده است. یکی از اشکال کادر در نگاره های این نسخه، کادرهایی به شکل بنا و عمارت است؛ بدین معنا که محدوده کادر با مرز عمارت موجود در نگاره یکی شده و کادر به شکل بنا تصویر شده است. بر مبنای تحلیل های انجام گرفته کادر نامتعارف به شکل های مختلف در نگاره های ایرانی به کار رفته است.

نمونه هایی از کادرهای نامتعارف در آثار معاصر گرافیک ایران و جهان

فرانک استلا

فرانک استلا در حدود پنجاه سال است که از حامیان انتزاع به شمار می‌رود. اوج شکوفایی آثار استلا در اواخر دهه ۶۰ با مجموعه سیاه خود بود. آنچه را با چشمان خود می‌بینید، همان چیزی است که درک می‌کنید، شعار او بود. زمزمه‌هایی در بین مردم وجود داشت که گویی او دوباره به اکسپرسیونیسم انتزاعی رو آورده است. استلا به جای بهره بردن از بالا رفتن ارزش آثارش، به سمت آثار رنگی و بوم‌های مُشکل رو آورد که نوعی نوآوری واقعی در آن زمان بود. بعد از آن به سمت برجسته‌نمایی، کولاژ و هنر چند رسانه‌ای رو آورد و سرانجام دوباره به نقطه اول بازگشت و بقیه آثار را معماری می‌داند. او معتقد است که همه اینها فقط استنباط است و همگی مجسمه‌سازی به شمار می‌روند. بدون توجه به عناوین این آثار، استلا، به طرق مختلف، طراحی، نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری را در ترکیب‌بندی‌های خود جا داده است. او همزمان با کمک گرفتن از تاریخچه هنر، معماری و موسیقی، طرح‌های منحصر به فردی را شکل می‌دهد که نمی‌توان آنها را به راحتی دسته‌بندی کرد. فرانک استلا در نقاشی و مجسمه‌هایش کادر را به صورت نامتعارف نشان داده است، نمونه‌ای از آنها در اینجا آورده شده است. (رحیمی زند، ۱۳۸۷، ۱۷) (شکل ۶)



شکل ۶، فرانک استلا، نمونه‌ای از کادر نامتعارف.

همانند آثار نقاشی در آثار گرافیکی معاصر جهان نیز استفاده از کادر نامتعارف دیده می شود. به طور مثال در اینجا نمونه هایی از بیلبردهای خلاقانه آورده شده است که طراح با شکستن کادر و بیرون راندن عناصر و تصویر از کادر، تبلیغ خود را ملموس تر کرده است و تصمیم داشته با بیننده راحت تر و با سرعت بیشتری ارتباط برقرار کند. در بیشتر بیلبوردها بیرون زدگی عناصر تصویری از قبل برنامه ریزی شده و به طور اتفاقی نیستند و از ایده و خلاقیت طراح نشأت می گیرند و بیشتر اغراق هایی در تصویر برای فهم راحت ترشان هستند.



شکل ۷، تیغ صورت تراشی، اثر Martor.

شکل ۷، اثر Martor، تیغ صورت تراشی یک تیغ ریش تراشی بی نهایت تیز که می تواند کبوترها را نیز تکه کند! تبلیغی کاملاً مبتکرانه. (منبع تصویر: hatalaska.com) در این بیلبرد رابطه نوع کادر نامتعارف و بیرون زدگی های عناصر تصویری با ایده و بیان هرچه بهتر موضوع اثر دریافت می شود (شکل ۸).



شکل ۸، کمپین تبلیغاتی باشگاه ورزشی Fit Nation که بیلبردهای آن با تصاویری هماهنگ و یک پارچه در موضوع، طراحی شده اند.



شکل ۹، بیلبرد تبلیغاتی، شرکت DHL.

شکل ۹، ایده ی خلاقانه ی دیگری از شرکت بسته بندی های بزرگ DHL. "بسته ای برای حمل تمامی بارهای سنگین"

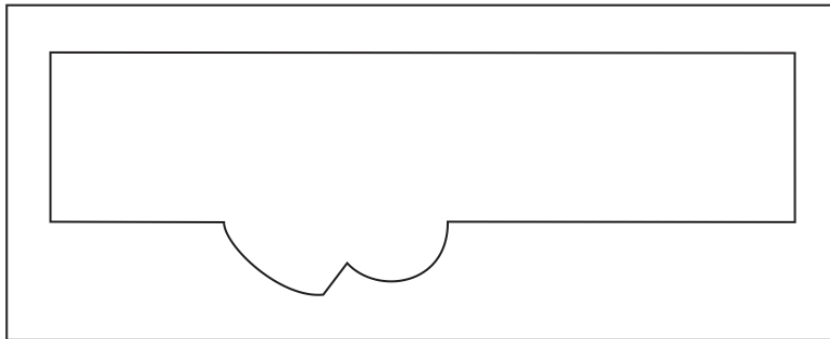


شکل ۱۰، صندلی های عقب اتومبیل ایمن نیستند، کمربند را ببندید!، اثر Belt up.

شکل ۱۰، اثر Belt Up صندلی های عقب اتومبیل ایمن تر نیستند، کمربند را ببندید! در صورتی که افراد کمربند خود را نبنند، این تبلیغ به خوبی پیامد کارشان را به هنگام تصادف به نمایش می گذارد. (منبع تصویر: Eat Liver)



شکل ۱۱، بیلبورد تبلیغاتی شرکت چین چین.

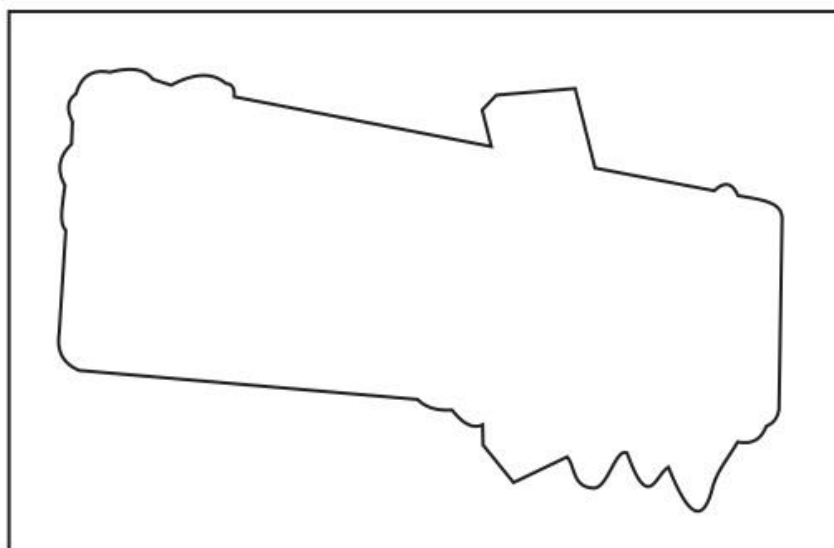


شکل ۱۲، طراحی مجدد بیلبورد تبلیغاتی شرکت چین چین (شکل ۱۲)، از نگارنده.

شکل ۱۱ و ۱۲، این بیلبورد ایرانی تبلیغ محصولی از شرکت چین چین، پیام تبلیغ کاملاً واضح است، سعی شده است با اغراق طبیعی بودن محصول نمایش داده شود. در اینجا بر خلاف آثار خارجی بالا، بیرون زدگی تصویر با ایده و مضمون اثر ارتباطی نداشته است. بیشتر برای جلب توجه بیننده بکار رفته است.



شکل ۱۳، بیلبورد تبلیغاتی شرکت وایت.



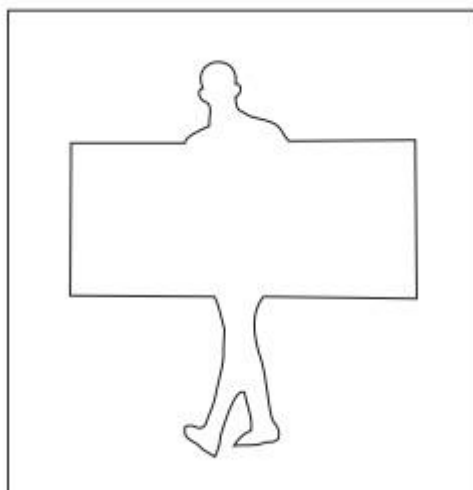
شکل ۱۴، طراحی مجدد بیلبورد تبلیغاتی شرکت وایت (شکل ۱۳)، از نگارنده.

شکل ۱۳ و ۱۴، این بیلبورد ایرانی تبلیغ محصولی از شرکت وایت، در اینجا هم بر خلاف آثار خارجی ایده خاصی برای اغراق و بیرون زدگی تصویر از کادر وجود ندارد و بیشتر جهت جلب توجه و سرعت در دیده شدن انجام شده است.

بیلبورد تبلیغاتی مرکز خرید نورا، در اینجا طراح از بزرگنمایی و اغراق استفاده کرده است، تا از میزان توجه بیشتری از سوی بیننده برخوردار شود و سرعت دیده شدن را افزایش دهد. در اینجا طراح می تواند از قسمت عمودی ای که از پایین بیلبورد بیرون زده است به عنوان پایه بیلبورد استفاده کند. (شکل ۱۵) و (شکل ۱۶)



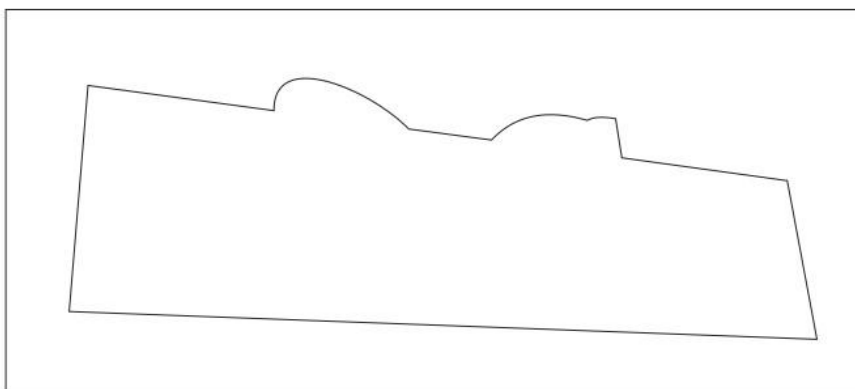
شکل ۱۵، بیلبورد تبلیغاتی مرکز خرید نورا.



شکل ۱۶، طراحی مجدد بیلبورد تبلیغاتی مرکز خرید نورا (شکل ۱۵)، ز نگارنده.



شکل ۱۷، بیلبورد تبلیغاتی سس کم چرب از شرکت بیژن.



شکل ۱۸، طراحی مجدد بیلبورد تبلیغاتی سس کم چرب از شرکت بیژن (شکل ۱۷)، از نگارنده.

بیلبورد تبلیغاتی "سس کمچرب و رژیمی بیژن" در اینجا نیز تصویر از کادر بیرون زده است برای جلب توجه و بزرگ نمایی بیشتر تبلیغ. (۱۷) و (۱۸).

نتیجه گیری

کادر(قاب) در هنرهای تجسمی از قبیل نقاشی، تصویرسازی، گرافیک، عکاسی، سینما، نقش برجسته، نقاشی دیواری و... استفاده شده و دارای اهمیت است. عناصر بصری و روابط بین آنها در یک محدوده به نام کادر، قاب و یا فریم هویت می یابند، تعریف واقعی می شوند و شخصیت اصلی خود را بروز می دهند.

در این پژوهش انواع کادر مورد بررسی قرار گرفت و دریافت شد که کادر انواع مختلفی دارد (متعارف و نا متعارف) مانند کادر افقی که همیشه آرام بخش بوده و حس آسودگی و سکوت را در انسان بر می انگیزد و القا گر حس حرکت و سرعت هم می تواند باشد. کادر عمودی نیز معانی خاصی را انتقال می دهد مانند ایستایی، مقاومت، غرور، بلندی و غیره. بنابراین کادر عمودی و افقی نیز متناسب با موضوع اثر استفاده شده و مفاهیمی را القا می کند. کادر "کادر در کادر" معرفی شد که اغلب برای تأکید بر سوژه و تمرکز و توجه بیننده بر آن و همچنین عمق بخشیدن به اثر است.

یکی دیگر از انواع کادر ها، کادرهایی چندضلعی با بیش از چهار ضلع هستند. در این گونه کادرها معمولاً چندین سوژه مورد نظر بوده و توجه بر چند ناحیه به صورت همزمان صورت خواهد گرفت. کادر طلایی نیز در طول تاریخ همواره در هنر و طراحی استفاده شده است. اغلب نقاشان و معماران برای خلق ترکیب بندی های بی نظیر به وفور از کادر و نسبت طلایی استفاده کرده اند. در عصر حاضر، نسبت طلایی در موسیقی، هنر و طراحی اطراف شما به راحتی قابل مشاهده است.

انواع کادر های ذکر شده همراه با نمونه هایی ذکر شدند، نقاشان تنها موضوع، فرم و رنگ تابلوی خود را انتخاب نمی کنند بلکه به کادر نیز می اندیشند و می کوشند تا بهترین کادر را برای تابلوی خود برگزینند. کادر (قاب) در نگارگری و نقاشی ایرانی نیز دارای اهمیت بوده و نگارگر از آن در اشکال گوناگونی استفاده کرده است. با مطالعه و بررسی نگاره های کتب مصور نگارگری ایرانی مشاهده شده است، نگارگران اشکال متنوع و متفاوتی از کادر را در آثار خود بکار برده اند. این امر اهمیت کادر را در نگارگری نشان میدهد.

در واقع نگارگران به کادر به عنوان یکی از عناصر بصری مورد استفاده در نگاره ها بسیار اهمیت داده و به نقش آن آگاه بوده اند و از آن در اشکال بسیاری به صورت هوشمندانه استفاده کرده اند. به این ترتیب مشاهده شده است که کتبی با مضامین متفاوت دارای نگاره هایی با کادر های متفاوت و متنوع می باشند.

کادرهای نامتعارف که معمولاً با شکست و بیرون زدگی های تصویر همراه هستند با انواع مختلف و کاربردهای مختلفی برای رساندن هرچه بهتر مضمون اثر در نمونه هایی از نگارگری ایران مطرح شد. در گذشته در هنر

غرب کمتر از کادرهای نا متعارف بکارگیری شده است. اما امروزه با توجه به هنر مدرن و مدرنیته و به انتزاع رفتن آثار هنری بیشتر کادرهای نا متعارف در هنر غرب دیده می شود. در نقاشی و مجسمه سازی معمولاً جهت به انتزاع رفتن عناصر بوده است ولی در گرافیک بیشتر جهت تأکید و اغراق برای دریافت هرچه راحت تر مضمون و پیام اثر بوده است. در بیلبردهای تبلیغاتی نمونه های متنوعی از کادر نا متعارف را می توان شناسایی کرد. در هنر معاصر ایران نیز در گرافیک از این نوع خلاقیت ها وجود دارد البته بیشتر جنبه جلب توجه تبلیغاتی داشته است.

فهرست منابع و مأخذ

منابع فارسی

فهرست کتابها:

تجویدی، اکبر. ۱۳۵۲، نقاشی ایرانی از کهن ترین روزگار تا دوران صفویان. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر با نسبت جشن فرهنگ و هنر.

حسینی راد، عبدالمجید و دیگران. ۱۳۸۴، شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: موزه ی هنرهای معاصر تهران - موسسه ی توسعه ی هنرهای تجسمی.

حسینی راد، عبدالمجید. ۱۳۹۱، مبانی هنرهای تجسمی. تهران: مدرسه.

کازینه، آلن و دیگران. تاریخ، اصول نقد فیلم. ترجمه ی جمال حاج آقا محمد {مکان}: نشر.

گری، بازیل. ۱۳۸۹، نقاشی ایران. ترجمه ی عربعلی شروه {تهران}: عصر جدید.

عمید، حسن. ۱۳۶۴، فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.

نامی، غلامحسین. ۱۳۷۸، مبانی هنرهای تجسمی (ارتباط بصری). تهران: توس.

فهرست مقالات و پایان نامه ها:

کاسترو، گاردن. فرانک استلا، ترجمه ی فرشاد رحیمی زند: تندیس. ۱۳۵. مهر ۱۳۸۷: ۳۱-۳۳.

مرائی، محسن. مقاله ی بررسی چگونگی ترکیب نوشته ی تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز آل اینجو، ۱۳۹۱.

نصری، سمیه. پایان نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه الزهراء، بررسی نمادین ترکیب بندی
مقامی در نگارگری ایران، ۱۳۸۸.